

The Alternative Futures of the Opposition's Effects on the Political Structure of the Saudi Arabia

Sajjad Mohseni and Mahdi Ahmadiyan

ABSTRACT

Saudi Arabia's political system has invariably been known as a regime whose partisan activities are prohibited. This has caused the atmosphere of political activities to enter an informal phase. However, the important question is: Considering such an atmosphere, does the role of the opposition and the opposition political groups against the Saudi sovereignty take an increased turn? How is it possible that these groups can exert a pressure on Saudi's political system for gaining concession or political change? To answer this question, one might say that two key uncertainties come to matter for this take place on the part of the opposition: namely, support or lack of support on the part of foreign actors, and the internal political stability and its relationship with four aspects, namely the intraterritorial opposition within the sovereignty, the intraterritorial opposition outside the sovereignty, the extraterritorial opposition within the sovereignty, and the extraterritorial opposition outside the sovereignty. On this basis, the research tries to study the role of opposition forces, groups and parties in the form of alternative futures as well as to examine scenarios.

KeyWords: *Saudi Arabia; King Salman; political system; opposition; alternative futures*

آینده‌های بدیل اثرگذاری اپوزیسیون بر ساختار سیاسی در عربستان

مهدی احمدیان^۱

سجاد محسنی^۲

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۹/۰۲

تأیید مقاله: ۱۴۰۰/۰۲/۱۸

چکیده

نظام سیاسی عربستان همواره به‌عنوان نظامی مطرح بوده که فعالیت‌های حزبی در آن منع شده است. این امر موجب شده است که فضای فعالیت سیاسی وارد مرحله غیررسمی شود. در این میان، اما مسئله مهم این است که با توجه به این فضا آیا نقش اپوزیسیون و گروه‌های سیاسی مخالف حاکمیت در عربستان نیز بیشتر می‌شود؟ چگونه این امکان وجود دارد که این گروه‌ها نظام سیاسی سعودی را برای امتیازگیری یا تغییر سیاسی تحت فشار قرار دهند؟ در پاسخ می‌توان گفت که برای چنین اقدامی از سوی اپوزیسیون دو نااطمینانی کلیدی حمایت یا عدم حمایت کنشگران خارجی و فضای ثبات سیاسی داخلی و ارتباط آن با چهار وجه اپوزیسیون درون‌مرزی درون‌حاکمیتی، اپوزیسیون درون‌مرزی برون‌حاکمیتی، اپوزیسیون برون‌مرزی درون‌حاکمیتی و اپوزیسیون برون‌مرزی برون‌حاکمیتی اهمیت می‌یابد. بر این اساس، تلاش شده است تا نقش گروه‌ها، احزاب و نیروهای اپوزیسیون عربستان در قالب آینده‌های بدیل و بررسی سناریوها مورد بررسی قرار بگیرد.

کلید واژه‌ها

عربستان؛ ملک سلمان؛ نظام سیاسی؛ اپوزیسیون؛ آینده‌های بدیل.

M.ahmadian@ut.ac.ir

۱. نویسنده مسئول: استادیار، گروه آینده پژوهی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

۲. دکتری روابط بین الملل، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

Mohseni.sajad66@gmail.com

مقدمه

وضعیت فعالیت‌های حزبی و سیاسی در عربستان را می‌توان با این خاطره تاریخی آغاز کرد که زمانی حسن البنا پیشنهاد تأسیس شاخه‌ای از اخوان المسلمین در عربستان را به ملک عبدالعزیز داده بود که با پاسخ زیرکانه ملک عبدالعزیز روبه‌رو شد. ملک عبدالعزیز در پاسخ عنوان کرد که «همگی ما هم باهم برادر (اخوان) و هم مسلمان هستیم (مسلمون)» (موسسه واشنگتن^۱، ۲۰۱۸). این اظهارنظر کوتاه نشان داد که از ابتدا پادشاه سعودی اعتقاد چندانی به تأسیس حزب خارج از رویکرد رسمی سعودی ندارد. این رویه از سوی پادشاهان پس از وی نیز علی‌رغم فشارهای محیطی و نیاز به فعالیت سامان‌مند سیاسی ادامه یافت. با توجه به این شرایط و فشارهای سیاسی بر دگراندیشان سیاسی، فعالیت‌های سیاسی در این کشور نیز در حد محدود، اما خارج از چارچوب‌های رسمی سیاسی ادامه یافت؛ آنچه در قالب اشغال ۱۹۷۹ مسجدالحرام توسط جهیمان العتیبی و مهدی قحطانی و جنبش‌های منطقه‌الشرقیه و اعتراضات پراکنده نمود پیدا کرد. در این میان، فضای نظارتی سخت بر فعالیت‌های سیاسی بر طیف مختلفی از این گروه‌ها از جریان الصحوه گرفته تا حزب‌الله الحجاز ادامه یافت.

در فضای موجود، اپوزیسیون سیاسی در عربستان قابل تقسیم‌بندی است. بخشی از این اپوزیسیون برخاسته از بافت جامعه سنتی در مقابل تکنوکرات‌ها و لیبرال‌هاست که انواع جریان‌های اخوانی، سلفی، وهابی، جهادی و حتی جریان‌های شیعی را در خود جای می‌دهد. در مقابل در جریان‌های تکنوکرات نیز تکنوکرات‌های لیبرال که با فضای سیاسی و آزادی‌های اجتماعی بن‌سلمانی قدرت بیشتری یافته‌اند تا تکنوکرات‌هایی که به دنبال شکل‌دهی به نوعی «دیکتاتوری منور^۲» هستند؛ می‌تواند نمود داشته باشد.

به‌رحال فضای سیاسی عربستان اگرچه رویکرد تقابلی سختی با اپوزیسیون‌های سیاسی دارد، اما تقسیم‌بندی از این اپوزیسیون‌ها، اولویت برخورد یا سازش دولت سعودی را ترسیم کرده است. صرف‌نظر از این مسئله اما؛ اینکه چگونه این گروه‌ها می‌توانند بر آینده نظام سیاسی تأثیر بگذارند؛ مهم‌ترین مسئله قابل بررسی خواهد بود. در این میان، نااطمینانی‌های

1. Washington institute
2. Enlightened absolutism

فراوانی نیز وجود دارد که فضا را بیش از سایر حوزه‌های امنیتی و سیاسی غبارآلود کرده است. تمرکز بر شناخت کنش‌های نیروهای مخالف از هر دسته‌ای که باشند، می‌تواند پاسخ بسیاری از سؤالات درخصوص آینده سیاست داخلی و خارجی عربستان، آینده جانشینی ملک‌سلمان و مسیر پیش روی این کشور را تا حدودی ارائه کند. برای دستیابی به این هدف، ابتدا چارچوب روش‌شناختی متناسب با موضوع انتخاب و تبیین شده، سپس کنشگران مهم و کنش‌های آنها در چهار قالب ذکر شده مطرح خواهد شد؛ پس از آن کنش‌هایی که نااطمینانی بالاتری دارند احصا و آینده‌های بدیل و مسیرهای حرکتی آینده اپوزیسیون سعودی ترسیم می‌شود.

چارچوب روش‌شناختی

سناریوپردازی به‌عنوان یکی از روش‌های رایج آینده‌پژوهی همواره به‌دنبال آن بوده تا آینده‌های بدیل و شرایط حاضر حاکم بر هر موضوع را بررسی کند. در این میان اگرچه برخی از سناریوها مبهم و یا کدر به‌نظر می‌رسد، اما از این حیث که پنجره جدیدی به روی تحلیل می‌گشاید، حائز اهمیت است. فضای پیچیده کنونی، گمانه‌زنی‌ها درخصوص آینده را دشوار کرده و میزان عدم قطعیت‌ها را افزایش داده است. در این رابطه گاردنر عنوان می‌کند که: «در فضایی که همه چیز سیال و نامشخص است، تقریباً هیچ چیز قابل پیش‌بینی نیست». در چنین شرایطی سناریو احتمالاً مفهومی است که بیشترین کاربرد را دارد که طیفی از آینده‌های محتمل را به‌همراه اطلاعات و تحلیل دربرمی‌گیرد (سردار و سوینی^۱، ۲۰۱۶). نمود این اظهارنظر را می‌توان درخصوص آینده تحولات اجتماعی و سیاسی غرب آسیا مشاهده کرد؛ منطقه‌ای که همواره میزان بالایی از سیالیت را در خود دارد. آینده کشورهای منطقه و از جمله عربستان نیز در دایره نااطمینانی‌ها قرار گرفته است، به‌خصوص اینکه در یک‌سوی آن طیف متنوعی از اپوزیسیون‌های سعودی قرار دارند که مترصد جابه‌جایی قدرت در این کشور هستند. با توجه به این امر، آینده پژوهی با برخورداری از رویکردهای نظری و کاربردی به آینده؛ از این بابت که سناریوهای مختلف را بررسی می‌کند و اولویت‌بندی میان سناریوهای محتمل ارائه می‌دهد به نظر رویکرد مطلوبی می‌رسد.

1. Sardar and Sweeney

گذشته از کاربرد آینده‌پژوهی درخصوص آینده فضای سیاسی؛ روش سناریوپردازی، یکی از کلیدی‌ترین روش‌های آینده‌پژوهی است و شیوه‌ای برای بهبود تصمیم‌گیری در برابر آینده‌های ممکن و محتمل است (پدرام و احمدیان، ۱۳۹۴: ۱۷۵ - ۱۹۵). وندل بل^۱ به‌صورت خاص بر سناریوپردازی تمرکز دارد و بر این باور است که تمامی روش‌های آینده‌پژوهی مقدمه سناریونویسی هستند و می‌توانند به خلق سناریو منجر شوند (بل، ۱۳۹۲: ۴۷۴).

در آینده‌پژوهی و سناریونویسی اصل اساسی و محوری پیش‌بینی راهبردی چندگانگی آینده است؛ به‌این‌معناکه درخصوص آینده می‌توان از آینده‌های مختلف سخن گفت که این پیش‌فرض زمینه را برای سناریوهای محتمل و آینده‌های بدیل نیز فراهم می‌کند که در میان آنها محتمل‌ترین گزینه‌ها برای تصمیم‌سازی به سیاست‌مداران ارائه می‌شود (بی شاپ^۲، ۲۰۱۷). سناریوها هرکدام مسیر خاص خود را دارند به‌صورتی‌که هر سناریو، بیانگر وضعیت‌های احتمالی از آینده است که ازسوی نگارندگان سناریوها به‌عنوان آینده‌ای درخور توجه مطرح شده است. در زمان طراحی سناریوها نمی‌توان با قطعیت و دقت مشخص ساخت که کدام‌یک از این آینده‌ها رخ خواهند داد. مجموعه درهم‌تنیده‌ای از عوامل گوناگون که سناریوها را شکل می‌دهند، عوامل ثابت و ازپیش‌مشخصی نیستند و می‌توانند حالت‌های گوناگونی داشته باشند.

نااطمینانی شاید کلیدی‌ترین مفهوم سناریوپردازی باشد؛ به‌صورتی‌که مدیریت نااطمینانی نیز هدف اصلی و نهایی سناریوپردازی است. سناریونویسی نقطه مقابل پیش‌بینی دقیق آینده است. میل طبیعی انسان به آینده، دانستن آن با دقیق‌ترین جزئیات و ساختن آن با مطلوب‌ترین شکل است، اما در شرایطی که ترسیم دورنمای آینده از نااطمینانی برخوردار باشد، پیش‌بینی دقیق امکان‌پذیر نیست و آینده‌پژوهان به سناریونویسی روی می‌آورند. سناریوها در شرایطی که ما از پیش‌بینی واحد (یگانه) آینده ناتوان هستیم، دورنماهای چندگانه‌ای از آینده ارائه می‌کنند.

رویکردهای متنوعی در سناریوپردازی مطرح است که الگوی «شبکه جهانی کسب‌وکار» معروف به جی‌بی‌ان^۳، از شناخته‌شده‌ترین الگوها با رویکرد استتاجی در این حوزه به‌شمار

1. Wendel Bell
2. Bishop
3. Global Business Network (GBN)

می‌آید. در نسخه‌ای نسبتاً اصلاح‌شده از این الگو که متکی بر تجربه‌های بومی است (پدرام و احمدیان، ۱۳۹۴)؛ تبیین موضوع، شناسایی کنشگران، شناسایی پیشران‌ها، شناسایی نااطمینانی‌ها، طراحی چارچوب سناریوها و نگارش سناریوها، مهم‌ترین گام‌های سناریوپردازی هستند. در وضعیت برای بهبود کار مسیرشناسی سناریوها نیز ارائه می‌شود تا تمامی وضعیت‌ها و حرکت‌هایی که یک کنشگر می‌تواند انجام دهد، به‌همراه تبعات و پیامدهای آن نشان داده شود. علاوه بر موارد ذکرشده، روایت‌شناسی و داستان‌نویسی نیز بخش دیگری از سناریوپردازی است که اگرچه به‌عنوان اصول اساسی آینده‌پژوهی قلمداد نمی‌شود، اما به ارائه تصویری واضح، کامل‌تر و عملی‌تر از یک سناریو می‌پردازد (لیولی^۱، ۲۰۱۷).

باتکابه این چارچوب روش‌شناختی و در موضوع کنونی، ابتدا وضعیت اپوزیسیون عربستان و بازیگران مؤثر در قالب رویکرد چندسطحی مورد توجه قرار می‌گیرد که هرکدام از این موارد شامل متغیرهای اثرگذار است. سپس در مرحله دوم کنشگران اثرگذار و منافع آنها مورد توجه قرار خواهد گرفت که این کنشگران طیفی از بازیگران ملی تا فرو ملی و فراملی را دربرمی‌گیرد.

در مرحله بعد پیشران‌ها شناسایی و مورد ارزیابی قرار می‌گیرد سپس میزان نااطمینانی این پیشران‌ها بررسی و اولویت‌بندی می‌شود تا زمینه‌ای برای ورود به مهم‌ترین بخش موضوع سناریوهای آینده اپوزیسیون عربستان باشد که در قالب بحث‌های جداگانه ارائه خواهد شد. درانتها نیز پیشران‌ها و نااطمینانی‌ها تحلیل شده و سناریوهای نهایی شرح داده می‌شود و دستاورد کار نیز ارائه می‌شود. برای ورود به بحث ابتدا کنشگران مؤثر بررسی خواهند شد.

کنشگران

باتوجه به آنچه مطرح شد می‌توان کنشگران مهم در آینده اپوزیسیون عربستان را به دو دسته کلی کنشگران فرودولتی و دولتی تقسیم‌بندی کرد. علت این تقسیم‌بندی این است که نقص‌های دسته‌بندی کنشگران داخلی و خارجی را که در کنشگران خارجی بازیگران ملی و فروملی وجود دارند، رفع کرده و دسته‌بندی مشخص‌تر و ساده‌تری ارائه کند. براین‌اساس کنشگران فرودولتی و دولتی به‌صورت زیر تعریف می‌شود.

1. Liveley

کنشگران فرودولتی

کنشگران فرودولتی به صورت کلی به چهار دسته تقسیم می‌شود: اپوزیسیون‌های درون‌مرزی برون‌حاکمیتی، اپوزیسیون‌های درون‌مرزی درون‌حاکمیتی، اپوزیسیون‌های برون‌مرزی برون‌حاکمیتی و اپوزیسیون‌های برون‌مرزی درون‌حاکمیتی و شخص ملک‌سلیمان و محمد بن‌سلیمان به عنوان کارگزار در درون آن قرار می‌گیرد. در زیر به صورت مشخص‌تر به این چهار دسته اشاره خواهد شد.

- اپوزیسیون‌های درون‌مرزی برون‌حاکمیتی

برخورد سختگیرانه دولت سعودی از ابتدا تاکنون و عدم وجود سابقه فعالیت حزبی مشخص در این کشور سبب شده است تا نیروهای حزبی قدرتمند چه مخالف و چه حتی موافق نتواند در عربستان شکل بگیرد. این فشار بر اپوزیسیون‌های درون‌مرزی برون‌حاکمیتی حتی بیشتر نیز بوده است. یکی از مهم‌ترین نمودهای اپوزیسیون درون‌مرزی برون‌حاکمیتی، علمای خواهان اصلاحات با گرایش‌های اخوانی بوده‌اند؛ افرادی که تحت عنوان جریان الصحوه نیز فعالیت می‌کنند. این جریان به خصوص پس از تحولات ۲۰۱۱ و تغییر رویکرد ملک عبدالله به تفکر اخوانی، به شدت تحت فشار دولت سعودی قرار گرفتند (موسسه واشنگتن، ۲۰۱۸) برخورد با جریان الصحوه و سردمداران آن مانند سلمان‌العواده، ناصر‌العمر، عایض‌القرنی و سفرالحوالی و حبس‌های گاه‌وبیگاه این افراد که عمدتاً مکتب‌دیده جریان اخوانی بوده‌اند، باعث تضعیف این جریان شده است؛ جریانی که خواهان اصلاح و تغییر نرم سیاسی در ساختار سعودی هستند (الشمسی^۱، ۲۰۱۱: ۱۱)؛ موضوعی که بحث نفوذ را در عربستان مطرح و حساسیت دولت سعودی را نسبت به آنها افزایش داده است. در کنار این جریان، شیعیان منطقه الشرقیه نیز از زمان روی کار آمدن دولت سعودی اول با آموزه‌های وهابی محمد بن‌عبدالوهاب مخالف بودند (واسیلیف^۲، ۲۰۱۳: ۱۵۸)، این اختلاف ریشه‌دار ایدئولوژیک در کنار نارضایتی سیاسی و توزیع نامناسب قدرت، شیعیان را به «آتش زیر خاکستر» در عربستان تبدیل کرده است. برای پیشگیری از وقوع بحران‌های درونی، برخورد دولت سعودی با حزب‌الله الحجاز و جریان‌های شیعی به مراتب خشن‌تر بوده است و پس از اتهام انفجار برج

1. alshamsi
2. Vassiliev

الخبر به شدت تحت فشار سیاسی قرار گرفت و بسیاری از نیروهای خود را ازدست داد. از دید دولت سعودی این حزب و شکل‌گیری آن نقش زیادی در تعمیق شکاف تهران - ریاض داشته است (ماتیسن، ۲۰۱۰: ۱۷۹-۱۸۰). با وجود جریانات ایدئولوژیک قابل تشخیص، تاریخ سعودی شاهد اعتراضات پراکنده‌ای نیز بوده است که یکی از مهم‌ترین این اعتراضات را می‌توان در مارس ۲۰۱۲ مشاهده کرد؛ جایی که دانشجویان دانشگاه ملک خالد در آنها تلاش کردند تا ادامه‌دهنده اعتراضات جهان عرب باشند؛ اگرچه این اعتراضات نیز در ادامه، راه به جایی نبرد، اما یکی از بزرگترین اعتراضات رخ داده در هزاره جدید در عربستان بود (الرشید^۱، ۲۰۱۸: ۱۲۹).

در مجموع، باید گفت که از حیث موضوع کار، این اپوزیسیون‌ها عمدتاً در حوزه سیاسی فعالیت دارند؛ چراکه به علت رانتی بودن اقتصاد، امکان اینکه نهاد یا فردی بدون ارتباط شخصی و یا وابستگی به دولت سعودی به موقعیت اقتصادی مناسبی دست یابد، دشوار است، به خصوص اینکه خارج از خاندان سعودی نیز باشد. به همین علت، عمده خاندان ثروتمند خارج از ساختار سعودی به نوعی ارتباط مناسبی با مرکز قدرت دارند که تا حدود زیادی وابستگی آنها احتمال اعتراض احتمالی از سوی این صنف را بسیار کاهش داده است. فعالان اقتصادی خارج از ساختار حاکم به چهار دسته تقسیم می‌شوند. نخست گروهی هستند که سابقه نفوذ اقتصادی آنها به پیش از دولت سوم سعودی می‌رسد، افرادی که در ۱۹۰۲ در آغاز راه به ملک عبدالعزیز برای به دست آوردن قدرت کمک کردند. از جمله مهم‌ترین این خانواده‌ها می‌توان به خانواده‌های «علی‌رضا^۲» و «زاهد^۳» «العطا^۴» و «عطار» اشاره کرد. تمام این خانواده‌ها در جده ساکن هستند. دسته دوم خانواده‌هایی هستند که در حوزه بانکداری و ساخت‌وساز فعال هستند که از قدرت بالایی نیز برخوردارند. در این طبقه خاندان «ابونهیان^۵»، «العسای^۶»، «بن‌لادن»، «بن‌محفوظ^۷»، «الخریجی^۸»،

-
1. Al-Rashid
 2. Alireza
 3. Zahid
 4. Abu Nayyans
 5. al-Esayi
 6. Bin Mahfouz
 7. El Khereijs

«کاکي^۱»، «جفالي^۲»، «رجب^۳» و خاندان «سلسله^۴» قرار دارند. دسته سوم خانواده‌هایی که با اقتصاد نفتی شروع کردند و بیشترین ارتباط را با آرامکو دارند که خاندان «اولیان^۵» مهم‌ترین آنها هستند. در نهایت چهارمین دسته خانواده‌هایی هستند که به صورت تاریخی در سمت مشاور و پزشک پادشاه سعودی فعالیت داشتند و از این طریق وارد فضای تجارت و کسب‌وکار شدند که در این میان خاندان «السليمان»، «خاشقجي» و «فرعون^۶» هستند (نیبلاک و مالک، ۲۰۰۷: ۵۰).^۷ به نظر می‌رسد از بین خاندان اقتصادی سعودی بیشترین وابستگی به دولت سعودی میان خانواده‌هایی است که در حوزه بانکداری، اقتصاد نفتی و به خصوص آرامکو و در سمت مشاوره‌ای فعالیت می‌کنند. باتوجه به این دسته‌بندی اپوزیسیون داخلی و خارجی بیرون از حاکمیت، به نظر می‌رسد این احتمال که اپوزیسیون‌های اقتصادی بر سیاسی پیشی بگیرند - علی‌رغم فضای بسته سیاسی - دشوار است. اگرچه اکنون میزان وابستگی برخی از این خانواده‌ها به سبب ارتباط بین‌المللی که دارند از دولت مرکزی کمتر شده، اما همچنان در فضای درونی عربستان تابع کامل سیاست‌های دولت مرکزی هستند.

- اپوزیسیون‌های درون‌مرزی درون‌حاکمیتی

اپوزیسیون‌های درون‌مرزی درون‌حاکمیتی گروهی هستند که عمدتاً سهم کمتری از قدرت برده و علی‌رغم مخالفت؛ ناچار به سکوت شده‌اند. این افراد که عمدتاً در حوزه اقتصاد سعودی هم فعالیت دارند، در حال حاضر به عنوان «ضربه‌گیرهای سیاسی و اقتصادی بن‌سلمان» عمل می‌کنند. محمدبن‌نایف، ولیدبن‌طلال و احمدبن‌عبدالعزیز را می‌توان از این دسته تلقی کرد. دولت سعودی همواره بیشترین احساس تهدید را از این بابت داشته است. این احساس با روی کار آمدن محمدبن‌سلمان به روشی برخلاف معمول حکمای پیشین بیشتر نیز شده است. به همین خاطر، هرازگاهی خبرهایی مبنی بر برخورد سخت با این افراد به گوش می‌رسد. برخورد با ولیدبن‌طلال، حذف محمدبن‌نایف و تدارک محمدبن‌سلمان برای وارد کردن اتهامات

1. Kakis
2. Juffali
3. Rajab
4. Silsilah
5. Olayans
6. Pharaon
8. Niblock and Malik

فساد مالی به وی برای حذف کامل از صحنه رقابت همگی حکایت از این امر دارند.^۱ اپوزیسیون درون‌مرزی درون‌حاکمیتی بخش قابل‌توجهی از فعالیت اقتصادی و رسانه‌ای عربستان را در فضای کتتری عربستان در دست داشته‌اند. فضای مجازی از طریق شهرک صنعتی ملک عبدالعزیز^۲ به شدت تحت کنترل قرار دارد و تلویزیون‌های ماهواره‌ای مانند ام. بی. سی^۳ که توسط ولید بن البراهیم از نزدیکان ملک فهد راه‌اندازی شد تا ای. آر. تی^۴ که توسط صالح کامل در ۱۹۹۳ شروع به کار کرد تا العربیه تماماً تحت نظارت هستند (زهور^۵، ۲۰۱۱: ۳۷۵). بخشی از این نظارت نیز به فشارهای بن سلمان و به صورت موردی به بازداشت‌های هتل ریتز کارلتون در اواخر ۲۰۱۷ برمی‌گردد که در راستای کنترل افراد متنفذ صورت پذیرفت، به‌همین منظور اقدام مجددی در ۱۵ مارس ۲۰۲۰ به‌وقوع پیوست (هندرسون^۶، ۲۰۲۰). مجموعه این اقدامات در راستای کاهش قدرت اپوزیسیون درون‌حاکمیتی درون‌مرزی بوده است، جایی که اخیراً دولت سلمان، اتهامات امنیتی را نیز به اتهامات اقتصادی اضافه کرده است تا بتواند رقابتی داخلی را به صورت کامل حذف کند.

- اپوزیسیون‌های برون‌مرزی برون‌حاکمیتی

اپوزیسیون‌های خارج از عربستان علی‌رغم عدم اتفاق‌نظر میان آنها پیرامون وضعیت سیاسی، به دلیل اینکه عمدتاً از طبقه خاص - که یا تحصیل‌کرده و یا از خاندان سعودی هستند که سهم کمتری در تقسیم قدرت دارند - نتوانسته‌اند چهره موفق و منسجمی از خود نشان دهند. در این میان با اصلاحات بن‌سلمانی نیز تاحدودی از مهم‌ترین اهرم‌های فشار اپوزیسیون‌های خارجی که آزادی زنان و حقوق بنیادی اجتماعی بود، با انجام اصلاحات اگرچه محدود، کاسته شد. تلاش محمد بن سلمان برای خروج از ستون‌های دوگانه نفت و وهابیت تا حدودی انتقادات اپوزیسیون‌های برون‌مرزی برون‌حاکمیتی که بخشی از آنها رویکرد

1. <https://www.washingtonpost.com/opinions/2020/07/05/dazzling-rise-tragic-fall-saudi-arabias-mohammed-bin-nayef/>
2. King 'Abdulaziz City for Science and Technology (KACST)
3. Middle East Broadcasting Corporation.
4. Arab Radio and Television Network
5. Zuhur
6. Henderson

غربی در بررسی سیاست‌های دولت سعودی داشتند را به صورت موقت تعدیل کرد (مابون^۱، ۲۰۱۸: ۳)، با وجود این، قتل جمال خاشقچی مسیر تازه‌ای برای مخالفان باز کرد. در حال حاضر، کنشگران مهم عربستان در زیرلایه‌های مختلفی از محدودیت‌ها قرار دارند که می‌تواند از زیرپوست ریاض یا از سرزمین‌های دوردست بیرون بزند. مضاوی الرشید از نوادگان خاندان رشیدی و آخرین خاندان پیش از دولت سعودی سوم را می‌توان مهم‌ترین نمونه دانست.

- اپوزیسیون‌های برون‌مرزی درون‌حاکمیتی

در نهایت اپوزیسیون‌های برون‌مرزی درون‌حاکمیتی آن دسته از شاهزادگانی هستند که به دلایل مختلف ترک عربستان کرده‌اند و عمدتاً در اروپای غربی و امریکا ساکن هستند. بخش زیادی از این افراد با توجه به توان مالی‌ای که دارند، جذب فعالیت‌های اقتصادی خارج از کشور شده و تا حدود زیادی حوزه فعالیت‌های سیاسی خود را به حداقل رسانده‌اند. به همین خاطر اگرچه این افراد از سوی نظام‌های امنیتی و استخبارات سعودی تحت نظر قرار دارند، اما احساس تهدید چندانی از این حوزه از سوی دولت سلمان صورت نمی‌گیرد. با وجود این، روی کارآمدن محمدبن سلمان همواره میزانی از تهدید را هم متوجه این افراد کرده است.

- ملک سلمان و محمدبن سلمان به عنوان کارگزار

طبیعتاً در این میان مهم‌ترین کنشگر فروملی محمدبن سلمان و ملک سلمان نه در قالب دولت که در قالب کارگزار است که در رأس ساختار قدرت درونی سعودی قرار دارند. میزان قوت و ضعف دولت سعودی در مدیریت ابعاد پنج‌گانه امنیتی می‌تواند به صورت مستقیم بر قدرت یا ضعف فعالیت نیروهای مخالف تأثیر بگذارد. روی کارآمدن محمدبن سلمان از یک سو شکاف نیروهای درون حاکمیتی را به سبب اختلاف بر سر نوع انتخاب محمدبن سلمان افزایش داده به صورتی که می‌توان گفت که محمدبن سلمان خاندان سلطنتی سعودی را «قطبی^۲» کرده است (بیانکو^۳، ۲۰۲۰). با وجود این، وی توانست تا حدودی شکاف میان دولت و سطح جامعه را

1. Mabon
2. Polarized
3. Bianco

کاهش دهد به خصوص اینکه جمعیت عربستان به‌عنوان جمعیت جوانی در نظر گرفته می‌شود که از اصلاحات اجتماعی بن‌سلمانی حمایت کرده‌اند.

کنشگران دولتی

در کنار کنشگران فرودولتی که به‌صورت سلسله‌مراتبی از اهمیت متفاوتی برخوردارند، دسته دیگری از کنشگران دولتی هستند که قابلیت اثرگذاری بر جریان‌های اپوزیسیون عربستانی و به‌تبع آن اثرگذاری بر آینده سیاست داخلی و خارجی و رقابت‌های جانشینی را دارند. در این میان امریکا، جمهوری اسلامی ایران، ترکیه و قطر از جمله مهم‌ترین این کنشگران هستند که به آنها اشاره خواهد شد.

- امریکا

امریکا به‌عنوان مهم‌ترین شریک راهبردی عربستان همواره به‌دنبال آن بوده تا در تعدیل فضای ارتباطی عربستان و میزان همسویی یا عدم همسویی این کشور با منافع امریکا به‌خصوص در منطقه تأثیرگذار باشد. اگرچه این پیوند با اقتصاد نفتی آغاز شد؛ آن‌گونه‌که فرانکلین روزولت در ۱۹۴۳ نفت عربستان را «منفعت راهبردی حیاتی برای امریکا»^۱ نامید (کنگه و اوکروهلیک^۲، ۲۰۰۹: ۳۶۰)، اما با گذشت زمان در شکل ارتباط و نه ماهیت راهبردی ارتباط، تغییراتی ایجاد شد. با توجه به این حساسیت، واشنگتن همواره چند مسئله مهم را پیش و تحلیل می‌کند: جریانات درونی عربستان که بر آینده سیاسی این کشور تأثیرگذار است و حمایت یا عدم حمایت از آنها مهم‌ترین ماشه‌چکان واشنگتن علیه دولت ریاض می‌تواند باشد؛ چیزی که امریکا بسیار در خصوص آن محتاط بوده است؛ موضوع دوم شرایط درون حاکمیتی سعودی و پایش شاهزادگان قدرتمندی است که قابلیت ایفای نقش بدیلی برای پادشاه یا ولیعهد سعودی را داشته باشند؛ موضوعی که بیشترین تهدید را برای دولت سعودی داشته است. نگرانی از کودتای درون‌خانوادگی همواره یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های پادشاهان بر تخت سعودی بوده است این در صورتی است که امریکا نیز در ابتدای کار حساب ویژه‌ای بر

1. vital strategic interest to the United States
2. Conge and Okruhlik

به قدرت رسیدن محمدبن‌نایف باز کرده بود تاجایی که مدال «جورج تننت»^۱ را نیز به پاس مبارزه علیه تروریسم به وی اهدا کرد (مستقل^۲، فوریه ۲۰۱۷).

به صورت خلاصه باید گفت که اهمیت امریکا به‌عنوان یک کنشگر در رابطه با اپوزیسیون‌های سعودی این است که قابلیت اثرگذاری و ارتباط‌گیری با تمامی سطوح اپوزیسیون را دارد.

مطلوبیت امریکا در حال حاضر، باقیماندن دولت سعودی بر قدرت در عربستان است. امریکا در شرایط کنونی تمایلی به ریسک‌کردن در خصوص بازی خارج از قاعده با دولت سعودی ندارد، فشارها و یا حمایت‌ها تماماً در چارچوب تعریف‌شده روابط و درک‌شده از هر دو سو در جریان است. با وجود این، تاریخ نشان داده است که امریکا پیوند منفعتی خود را بیشتر از اینکه با نظام‌های سیاسی تعریف کند، به شرایط ژئوپلیتیکی و آینده سیاسی توجه دارد. اهمیت جایگاه ژئوپلیتیکی عربستان زمانی بیشتر می‌شود که به‌عنوان ابزاری برای بازدارندگی در مقابل جمهوری اسلامی نیز به‌کار می‌رود (شریر^۳، ۲۰۱۴: ۱۴۰)، بر همین مبنا نظام‌های سیاسی عربستان ابزارهای منفعتی امریکا هستند. این شرایط مصداق بارز نقل قول معروف «عدم وجود دوست و دشمن دائمی و وجود منفعت دائمی» در سیاست خارجی امریکا در قبال دولت سعودی است.

- جمهوری اسلامی ایران

از یک سو جمهوری اسلامی ایران از این حیث که با شیعیان سعودی و به‌خصوص شیعیان منطقه الشرقیه ارتباط ایدئولوژیکی دارد، می‌تواند اثرگذار باشد. به‌خودی‌خود وقوع انقلاب اسلامی ایران بر افزایش انتظارات شیعیان عربستانی برای بهبود جایگاه آنها اثر گذاشته است؛ موضوعی که در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی نیز به‌صورت اقدامات جسسته‌وگریخته در این منطقه می‌توان مشاهده کرد. از سوی دیگر نیز سیاست خارجی عربستان با تمایل به محدود کردن نفوذ شیعیان در منطقه به پیش برده شده است. این سیاست ریاض با رویکرد کنشمند^۴

1. George Tenet Medal
2. Independent February
3. Schreer
4. pro-active

بن سلمان تقویت شد (مابون^۱، ۲۰۱۸: ۷). شیعیان عربستانی جمعیتی در حدود ده تا پانزده درصد از جمعیت عربستان را دربرمی‌گیرند^۲ که افزایش سهم‌خواهی آنها می‌تواند در آینده حتی تحت فشارهای امنیتی و سیاسی به تحولاتی در عربستان منجر شود.

مطلوبیت جمهوری اسلامی در حال حاضر، تضعیف نظام سیاسی سعودی، بهبود جایگاه شیعیان در این کشور و بین‌المللی شدن قیومیت حرمین شریفین در جهان اسلام است. علاوه بر این، سایر اختلافات ژئوپلیتیکی بر سر حوزه نفوذ منطقه‌ای نیز وجود دارد که چندان مرتبط به بحث نمی‌شود. بر این اساس اولویت‌بندی جمهوری اسلامی در خصوص حمایت از اپوزیسیون معمولاً حمایت سیاسی، حمایت از روحانیون برجسته شیعی عربستانی و بحرینی و اعمال فشار غیرمستقیم بر دولت سعودی بوده است.

- محور اخوانی (ترکیه و قطر)

رویکرد اخوانی به‌عنوان مهم‌ترین بدیل ایدئولوژیکی جهان اهل سنت در برابر رویکرد وهابی رسمی سعودی مطرح بوده است. این مسئله در کنار عدم همسویی منافع ژئوپلیتیک و راهبردی ترکیه و قطر با عربستان و اختلاف نظر در خصوص پرونده‌های منطقه‌ای، طرفین را بر آن داشته تا یکدیگر را به‌عنوان تهدیدهای پایدار علیه هم تلقی کنند. در بسیاری از مقاطع عربستان بر آن بوده که قطر و ترکیه از نیروهای مخالف با دولت سعودی و اخوانی‌های سعودی حمایت می‌کند؛ موضوعی که تأثیر مهمی نیز بر تصمیم‌گیری دولت سعودی برای قطع ارتباط با قطر داشت. نقطه عطف این تفکر از ۲۰۱۱ و تحولات جهان عرب شروع شد، جایی که عربستان در پی آن جنبش اخوان را در مارس ۲۰۱۴ در فهرست گروه‌های تروریستی قرار داد (بیلگین^۳، ۲۰۱۸: ۱۲۲). این شرایط نشان می‌دهد که ترکیه و قطر می‌توانند به‌عنوان کنشگران مهم در رابطه با اپوزیسیون‌های سعودی در نظر گرفته شوند.

مطلوبیت‌های ترکیه و قطر به این صورت است که حمایت از اخوانی‌های عربستان در اولویت اول قرار دارد، علاوه بر این، افزایش فشارهای سیاسی و رسانه از جمله مهم‌ترین اقدامی است که این دو کشور در خصوص دولت سعودی انجام می‌دهند. استفاده از نقاط عطف

1. Mabon
2. <https://www.worldometers.info/world-population/saudi-arabia-population/>
3. Bilgin

تاریخی مانند «قتل خاشقچی» از جمله سیاست‌های محور اخوانی علیه دولت سعودی است. ناگفته نماند که لابی قطری و سعودی علیه یکدیگر در بریتانیا و امریکا به بخش مهمی از رویارویی این دو جبهه تبدیل شده است؛ اگرچه تاکنون شرایط نشان داده که عربستان از توان اقناع‌کنندگی بالاتری برخوردار بوده است، این درحالی است که هنوز ضرورتی از سوی لندن و واشنگتن برای افزایش فشار خارج از قاعده به ریاض وجود ندارد.

- انگلستان

اگرچه انگلستان در زمره اولین کشورهایی بود که در ۱۹۲۷ استقلال عربستان پیش از اعلان رسمی در ۱۹۳۲ را به رسمیت شناخت و در حمایت از دولت سعودی به نبرد با اخوانی‌ها رفت (وینبرانت، ۲۰۱۰: ۱۸۵)^۱، اما به مرور زمان، جایگاه اولیه خود را نزد ریاض از دست داد تا امریکا جایگزین شود. انگلیس همواره به عنوان بازیگری شناخته می‌شود که تلاش کرده تا احزاب و دیدگاه‌های متفاوت و گاه متضاد از هر کدام از کشورها را درون خود جای دهد تا در زمان موردنیاز از آنها بهره‌برداری کند. عربستان نیز علی‌رغم روابط مناسبی که با انگلیس دارد، شاهد بوده است که این کشور پایگاه احزاب مخالفی مانند حزب التحریر - علی‌رغم ممنوع‌شدن این حزب - و جنبش اصلاح اسلامی در کنار اپوزیسیون‌های آکادمیک و لیبرالی مانند مضاوی الرشید از رشیدیان پیش از دولت سوم سعودی بوده است. انگلیس پیش از به رسمیت‌شناختن دولت سوم سعودی، در ۱۸۹۱ از رشیدیان حمایت کرد که به فرار خاندان سعودی و عبدالعزیز به کویت منجر شد (ظهور^۲، ۲۰۱۱: ۴۲). این سابقه تاریخی همواره لندن را برای دولت سعودی به متحدی شکننده تبدیل کرده است. باتوجه به این شرایط در حال حاضر مطلوبیت انگلیس حفظ دولت سعودی و بازی با کارت اپوزیسیون‌های مستقر در لندن است. براین اساس، در حال حاضر در نظر گرفتن پایگاه برای اپوزیسیون‌ها به معنای حمایت از این گروه‌ها تلقی نمی‌شود. با وجود این؛ اگر قرار باشد حالتی را متصور شد که دولت سعودی در شرایط بی‌ثباتی به سر ببرد، انگلیس و امریکا مهم‌ترین کنشگران دولتی هستند که نقش تعیین‌کننده در بقا یا سقوط حکومت سعودی و یا در تعیین جانشین خواهند داشت.

1. Wynbrandt
2. Zuhur

- پیشروان ها

باتوجه به بررسی کنشگران کلیدی در ارتباط با فعالیت نیروهای اپوزیسیون در عربستان، می‌توان کنش‌های متعددی را برشمرد که طیفی از کم‌اثر تا اثرگذارترین کنش‌ها را دربرمی‌گیرد. در جدول زیر ابتدا کنش هر کدام از کنشگران اشاره و سپس اهمیت و نااطمینانی این کنش‌ها ارزیابی شده است تا از درون آن، نااطمینانی‌های کلیدی و سپس سناریوها استخراج شود. گفتنی است دامنه امتیازدهی از ۱ تا ۵ برای اهمیت و از ۱ تا ۵ برای نااطمینانی است.

جدول ۱. کنش‌های کنشگران، اهمیت و نااطمینانی کنش‌ها

نوع کنشگر	کنشگر	کنش	اهمیت	نا اطمینانی
کنشگران فرو دولتی	اپوزیسیون درون‌مرزی	فشار اقتصادی از سوی اپوزیسیون‌های اقتصادی مانند ولید بن طلال و خروج بخشی از سرمایه از اقتصاد	۲	۲
		افزایش فعالیت محمد بن نایف و حامیان وی با حمایت خارجی برای فشار به بن سلمان	۳	۲
	اپوزیسیون درون‌مرزی	افزایش فعالیت حزب الله الحجاز	۳	۲
		شروع موج جدید اعتراضات در منطقه شرقیه با شیخ حسن صفر برای کسب جایگاه سیاسی	۳	۱
		افزایش فعالیت وهابیان با فاصله‌گیری از سیاست‌های بن‌سلمانی	۳	۲
	اپوزیسیون درون‌مرزی	آسیب وارد کردن به تأسیسات نفتی عربستان برای افزایش فشار اقتصادی	۳	۲
		لاپی با لندن و واشنگتن برای فشار بر محمد بن سلمان	۳	۲
	اپوزیسیون درون‌مرزی	فعالیت یا حمایت مالی از رسانه‌ها و مراجع آکادمیک غربی علیه دولت ملک سلمان یا حکومت سعودی	۳	۲
		برگزاری حلقه‌های سیاسی برای پیوند میان اپوزیسیون‌های درون یا برون‌حاکمیتی جهت دستیابی به دیدگاه مشترک	۳	۲
	اپوزیسیون درون‌مرزی	افزایش فعالیت جنبش اصلاح اسلامی ^۱ عربستان در لندن، تحت حمایت بریتانیا و هدایت سعد الفقیه و فعالیت حزب التحریر	۳	۳
		شکل‌گیری پیوند نخبگان آکادمیک برون‌مرزی با تحصیل‌کردگان خارجی و داخلی و تسری فعالیت اعتراضی از دانشگاه‌های سعودی	۳	۲
	اپوزیسیون درون‌مرزی	افزایش قدرت حزب التحریر با گرایش خلیفه‌گرایی سنی	۳	۱

1. Movement for Islamic Reform in Arabia (MIRA)

نوع کنشگر	کنشگر	کنش	اهمیت	نا اطمینانی	
کنشگران دولتی	ملک سلمان و محمد بن سلمان به‌عنوان کارگزار	افزایش فشار و بازداشت اپوزیسیون‌های درون‌مرزی درون‌حاکمیتی و موج بی‌سابقه بازداشت‌ها	۳	۳	
		ایجاد پست و جایگاه برای اپوزیسیون‌های درون‌مرزی درون‌حاکمیتی برای جذب	۳	۳	
		ارائه آزادی سیاسی قطره‌چکانی برای اپوزیسیون‌های درون‌مرزی برون‌حاکمیتی	۳	۳	
		افزایش فشار سیاسی به‌موازات آزادی‌های اجتماعی برای اپوزیسیون درون‌مرزی برون‌حاکمیتی	۳	۲	
		جذب اپوزیسیون‌های برون‌مرزی درون‌حاکمیتی	۳	۳	
		سرکوب اپوزیسیون‌های برون‌مرزی درون/ برون‌حاکمیتی	۳	۲	
کنشگران دولتی	امریکا	حمایت از مخالفان درون‌مرزی درون‌حکومتی بن‌سلمان مانند محمدبن‌نایف و احمد بن‌عبدالعزیز	۳	۳	
		کاهش حمایت از محمدبن‌سلمان در قالب فشار رسانه‌ای و سیاسی بر وی	۳	۲	
کنشگران دولتی	امریکا	حمایت یا تقویت جنبش‌های احتمالی درون‌مرزی برون‌حاکمیتی با تمرکز بر حد تعادل جریان‌های سفلی و جهانی - جریان لیبرال‌بهترین و الصحوه و اخوانی‌ها گزینه حداقلی	۳	۲	
		ایجاد یا تقویت گروه اپوزیسیون برون‌مرزی درون یا برون‌حاکمیتی	۳	۳	
		برجسته‌کردن بدیل بن‌سلمان از درون خاندان سلمان-خالد بن‌سلمان یا عبدالعزیز بن‌سلمان - به‌عنوان اپوزیسیون جدید درون‌حاکمیتی	۳	۳	
	جمهوری اسلامی ایران	حمایت گسترده رسانه‌ای از شیعیان عربستانی و راه‌اندازی کانال عربی زبان شبه‌جزیره	۲	۲	
		حمایت لجستیکی و غیرمستقیم از شیعیان عربستان	۳	۲	
		شناسایی و پرورش نخبگان شیعه عربستانی و بحرینی	۳	۱	
	ترکیه و قطر	ارتباط با اپوزیسیون برون‌مرزی عربستان و تقویت آنها	۳	۲	
		حمایت از اخوانی‌های عربستان به‌خصوص الصحوه	۳	۲	
		حمایت مالی و سیاسی از اپوزیسیون‌های برون‌حاکمیتی برون‌مرزی	۳	۲	
	انگلیس	افزایش حملات رسانه‌های ترکی و قطری	آموزش نیروهای اپوزیسیون برای دوران پس از ملک‌سلمان	۳	۳
			بازی با اپوزیسیون جهت امتیازگیری از دولت سعودی	۳	۲
		تقویت فعالیت جنبش اصلاح اسلامی و حزب التحریر که در لندن مستقر هستند.	۳	۳	
همکاری با جریان‌های ضدسعودی ضدامریکایی		۳	۱		

باتوجه به آنچه در جدول بالا آمده است، می‌توان به دیدی کلی از اهمیت و نااطمینانی درخصوص وضعیت اپوزیسیون عربستان دست یافت. براین اساس دسته پیشران‌های با اهمیت و نااطمینانی بالا، نااطمینانی‌های کلیدی را شکل می‌دهند و دسته پیشران‌های با اهمیت بالا و نااطمینانی پایین، می‌توانند شکل‌دهنده شگفتی‌سازها باشند. در زیر به نااطمینانی‌های کلیدی اشاره خواهد شد.

- نااطمینانی‌های کلیدی

عمده موضوعات مربوط به فعالیت یا عدم فعالیت اپوزیسیون‌های عربستانی از هر کدام از دسته‌ها تا میزان زیادی به ارتباط آنها با یک بازیگر خارجی قدرتمند از کنشگران خارجی که ذکر شد، بستگی دارد. یکی از مهم‌ترین دلایل این تمایل، فشار بالای ساختار انحصارگرایانه^۱ در درون عربستان برای جلوگیری از فعالیت حزبی (نورس، ۲۰۰۴: ۵)^۲ و ارتباط مناسب اقتصادی و سیاسی دولت سعودی با کنشگران قدرتمند غربی است که مانع از فعالیت و رشد اپوزیسیون‌های خارجی شده است. براین اساس عمده فعالیت‌های این نیروها را می‌توان نااطمینانی محسوب کرد که یک‌سوی آن می‌تواند به کنشگر خارجی پیوند بخورد. تکثر دیدگاه‌های اپوزیسیون‌های خارجی از طیف لیبرال و آکادمیک تا تکنوکرات و احزاب با تمایلات خلافت اهل سنت و یا جهادی سبب شده است تا اپوزیسیون خارجی قدرتمندی نیز شکل نگیرد. براین اساس نااطمینانی‌های کلیدی از برآیند اهمیت و نااطمینانی پیشران‌ها و کنش‌ها بیرون آمده است. از تجمیع نااطمینانی‌های مطرح‌شده می‌توان به دو دسته کلی نااطمینانی کلیدی رسید.

- حمایت خارجی از اپوزیسیون (درون‌مرزی/برون‌مرزی، درون حاکمیتی/برون حاکمیتی)

پیشران‌هایی که در درون حمایت خارجی قرار می‌گیرند، اهمیت دارند. براین اساس به دلایل متعدد از جمله عدم تجربه کافی اپوزیسیون داخلی و خارجی عربستان در مبارزات سیاسی و فقدان اجماع و انسجام و حمایت کنشگران خارجی از دولت سعودی اینکه وزن زیادی به اپوزیسیون سعودی داده شود به نظر تناسب با واقعیت نداشته باشد، مگر اینکه گروه خاصی از سوی کنشگر خاص خارجی تقویت شود. براین اساس چند نکته را درخصوص

1. Monopolistic
2. Norris

نااطمینانی حمایت خارجی از اپوزیسیون عربستان می‌توان ذکر کرد تا بحث از کلی‌گویی خارج شود:

نخست اینکه، سهم هریک از کنشگران خارجی اهمیت دارد. منظور اینکه کدام یک از کنشگران «تحول‌ساز» کدام یک «تغییرساز» و کدام یک «بحران‌ساز» هستند. اولویت‌بندی اثرگذاری این کنشگران به این صورت است که امریکا می‌تواند با توجه به متغیرها و حالت‌هایی که در سناریوها ذکر خواهد شد، نقش تحول‌ساز ایفا کند؛ به‌خصوص زمانی که درون عربستان ناهمسو و اپوزیسیون همسو شود. انگلیس بازیگری است که با توجه به میزبانی از اپوزیسیون درون و برون‌حاکمیتی برون‌مرزی می‌تواند نقش تغییرساز را ایفا کند. البته به شرطی که ترکیبی با یکی از کنشگران خارجی همسو داشته باشد و یا در مخالف امریکا قرار نگیرد. درنهایت جمهوری اسلامی در کنار محور ترکیه - قطر می‌تواند نقش بحران‌ساز را ایفا کند.

دوم اینکه انتخاب نوع اپوزیسیون خارجی و «بدیل نظام سیاسی سعودی» و یا بدیل «دولت کنونی سعودی» چه جریانی باشد، می‌تواند بر آینده موفقیت یا عدم موفقیت آن تأثیر داشته باشد. براین اساس کنشگران خارجی به سمت جریان‌هایی حرکت می‌کنند که بتواند بیشترین اثرگذاری را داشته باشد و ملاحظات منفعتی آنها را نیز دربر بگیرد.

سوم اینکه حمایت خارجی ناظر بر حمایت سیاسی، تقویت اقتصادی و حمایت از نفوذ اجتماعی این جریان‌هاست. این متغیر به‌خصوص در زمینه جریان‌های اخوانی که رویکردی ساختاری و آموزشی دارند، بیشتر صادق است. با تمام این اوصاف در درون نااطمینانی حمایت یا عدم حمایت نیروهای خارجی می‌توان به ضریب تأثیرگذاری، چگونگی انتخاب اپوزیسیون و نوع حمایت قرار دارد که زمانی ترکیب با نااطمینانی دوم یعنی ثبات یا بی‌ثباتی نظام سیاسی سعودی می‌شود، می‌تواند شرایط مختلفی را رقم بزند. در زیر به نااطمینانی کلان دوم اشاره می‌شود.

- میزان ثبات یا بی‌ثباتی سیاسی دولت ملک‌سلیمان و توان مدیریتی آن

در درون این میزان قدرت و ثبات سیاسی دولت مؤلفه‌های زیادی می‌تواند وجود داشته باشد که طیفی از اجبار تا اقناع را دربرمی‌گیرد. در زیر به سه متغیر مهم زیرمجموعه این نااطمینانی اشاره خواهد شد:

نخست روند سیاسی است که آیا روند سیاسی کنونی عربستان به سمت فضای باز سیاسی در حرکت است؟ آیا فضا به‌مانند سابق در جریان است و یا فضا به نسبت دولت‌های گذشته برای فعالیت جریان‌های سیاسی تنگ‌تر شده است؟ شاید در نگاه اول به نظر برسد که فضای سیاسی در دوران ملک‌سلیمان و به‌خصوص ولایت‌عهدی محمدبن‌سلیمان تنگ‌تر شده باشد، اما رویکرد تاریخی نشان می‌دهد که این میزان از «قبض و بسط» صرفاً برای محدود کردن اپوزیسیون نبوده، بلکه ابزاری برای ایجاد تعادل در ساختار سیاسی و اجتماعی نیز بوده است. دوم توان یا عدم توان مدیریتی اپوزیسیون متغیری است که می‌تواند حائز اهمیت باشد. در این خصوص، این سؤال ایجاد می‌شود که آیا این توان برای دولت سعودی وجود دارد که روند فزاینده فشار بر اپوزیسیون را بدون اینکه تبعات قابل توجهی داشته باشد؛ ادامه دهد؟ این مسئله نااطمینانی است که در درون نااطمینانی بزرگتری قرار دارد.

سوم نوع مدیریت اپوزیسیون است. منظور نوع مدیریت اینکه کنترل یا تسلط بر اپوزیسیون از طریق زور و اجبار رخ می‌دهد یا نوعی از اقناع را در خود دارد. تاریخ تعامل دولت سعودی و نیروهای اپوزیسیون به‌خصوص اپوزیسیون درون‌مرزی برون‌حاکمیتی نشان داده که دولت سعودی موضع کاملاً برتری نسبت به این قضیه دارد. حتی در اوج تلاش برای بهبود روابط میان دولت و اپوزیسیون به سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۵ برمی‌گردد که ملک‌عبدالله تحت فرمان ملک‌فهد اقداماتی را پایه‌ریزی کرد که چندان موفقیت‌آمیز نبود. از سوی دیگر توان ثبات بخشی سیاسی و عقب‌نگهداشتن معترضان، جلوگیری از انسجام نیروهای اپوزیسیون به‌خصوص داخلی و اعمال نفوذ و رایزنی با کنشگران ملی برای فشار یا تضعیف اپوزیسیون‌های خارجی می‌تواند مصداق‌های این نااطمینانی کلیدی باشند.

سناریوها

از ترکیب نااطمینانی‌های فوق چهار حالت به‌وجود می‌آید که ابتدا در یک نمای کلی به‌صورت جدول ارائه و سپس چهار حالت توضیح داده خواهد شد.

جدول ۲. سناریوهای آینده اپوزیسیون عربستان

ثبات یا عدم ثبات سیاسی و توان یا عدم توان مدیریت اپوزیسیون			
بی‌ثباتی و عدم مدیریت	ثبات و توان مدیریت		
جاده یک‌طرفه	شمشیر از رو	حمایت کنشگران خارجی	حمایت یا عدم حمایت کنشگران خارجی از اپوزیسیون (داخلی و حمایت خارجی، درون و برون‌مرزی) با اولویت امریکا و انگلیس
آشوب روی دور تند	رقص شمشیر بن‌سلمان	عدم حمایت کنشگران خارجی	

باتوجه به جدول فوق، سناریوهای طرح شده می‌تواند به شرح زیر باشد: سناریوی نخست؛ شمشیر از رو (حمایت خارجی از اپوزیسیون و ثبات سیاسی داخلی و توان مدیریتی داخلی):

در این سناریو حمایت خارجی از اپوزیسیون‌ها صورت می‌گیرد، اما در سوی مقابل دولت ملک‌سلیمان و محمدبن‌سلیمان توان مدیریت جریان‌های اپوزیسیونی را دارند. در این سناریو چند حالت قابل بررسی است:

الف. حالت نخست این است که حمایتگر خارجی محور ترکی - قطری باشد. در این حالت دسته‌ای از اپوزیسیون‌ها که از انعطاف بالاتری برخوردارند، در یک فرایند چانه‌زنی، اقناع و یا جذب ساختار سیاسی سعودی می‌شوند و دسته دیگری که از این توان برخوردار نیستند، سرکوب و به عقب رانده می‌شوند. در این مسیر اگر حمایت از سوی محور ترکی و قطری باشد، احتمال تنش کوتاه‌مدت وجود دارد، اما در نهایت دولت پیروز شده و طیف زیادی از اپوزیسیون در محاصره حاکمیت قرار می‌گیرند. دولت قطر و ترکیه می‌توانند نقش «بحران‌ساز» ایفا کنند، اما از توانایی «تحول یا تغییر» برخوردار نیستند.

ب. حالت دوم اینکه، حمایتگر خارجی جمهوری اسلامی ایران باشد. در این مسیر، اگر جمهوری اسلامی ایران از اپوزیسیون عربستانی حمایت گسترده کند که طبیعتاً اولویت نیروهای برخاسته از بافت شیعی عربستان خواهد بود؛ آنگاه احتمال وقوع بحران در سطح پایین برای عربستان وجود خواهد داشت. در این حالت، این احتمال که باتوجه به بافت

جمعیتی شیعیان عربستان، این جریان تحت فشار شدیدتر قرار بگیرد، افزایش می‌یابد، مگر اینکه فضای حمایت، بیش از اینکه ایدئولوژیک باشد، فضایی سیاسی بوده تا قابلیت ائتلاف‌سازی با سایر اپوزیسیون‌ها برای بهبود جایگاه در ساختار توزیع قدرت سعودی را داشته باشد. در این وضعیت نیروهای توازن‌بخش امریکا و انگلیس به احتمال زیاد تلاش خواهند کرد تا تعادل را ایجاد کنند و این احتمال به شدت بعید خواهد بود که نیروهای حمایتگر خارجی غربی با نیروهای حمایتگر منطقه‌ای به نقطه‌ای برسند که سیاست‌های همسویی در خصوص دولت سعودی داشته باشند.

ج. حالت سوم اینکه اگر انگلیس نقش حمایتگر خارجی را داشته باشد، آنگاه این احتمال که تا زمان قابل توجهی فضای سیالی در ساختار قدرت عربستان ایجاد شود زیاد است، منظور اینکه «بازی تاج و تخت» در عربستان به اوج خود می‌رسد، اما منجر به تغییر نظام سیاسی نمی‌شود. با وجود این؛ دولت مرکزی ناچار به امتیازدهی می‌شود و در این میان، اپوزیسیون مورد حمایت انگلیس جایگاه خود را بهبود می‌دهد. در حال حاضر، انگلیس میزبان طیف گسترده‌ای از اپوزیسیون‌هاست. در مجموع، انگلیس توانایی ایجاد تنش بلندمدت برای دولت سعودی را دارد.

د. در نهایت اینکه اگر امریکا از اپوزیسیون حمایت کند، آنگاه می‌توان شانس بالایی برای کنار رفتن دولت سعودی از قدرت و در حالت حداقلی محمدبن سلمان از قدرت را متصور شد. شاید در این حالت حفظ منافع بر تغییر نظام سیاسی غلبه کند و تنها پادشاه و ولیعهد تغییر کرده یا سازوکارهای انتخابی جدیدی وارد شوند. این حالت در شرایط کنونی بسیار بعید به نظر می‌رسد؛ چراکه امریکه تلاش کرده تا روابط خود را با دولت سعودی در چارچوب راهبرد تاریخی خود حفظ کند.

سناریوی دوم؛ جاده یک‌طرفه (وجود حمایت خارجی از اپوزیسیون و عدم توان دولت سعودی): در این سناریو حمایت خارجی از اپوزیسیون وجود دارد و دولت نیز توان مدیریت ندارد. در چنین شرایطی، عربستان درگیر تنش دامنه‌دار می‌شود. در این سناریو چند مسیر وجود دارد:

الف. اینکه در این حالت فضای درونی عربستان به عرصه‌ای برای رقابت داخلی و خارجی تبدیل می‌شود، امریکا به‌عنوان مهم‌ترین حمایتگر خارجی و متحد دولت سعودی تداوم حکومت سعودی را به نفع خود نمی‌داند. در نتیجه می‌کوشد تا از نیروی جدید حمایت کند. ترکیه و قطر در سوی دیگر به دنبال بهبود جایگاه نیروهای اخوانی خواهند بود. در این شرایط امریکا تلاش می‌کند تا جمهوری اسلامی حداقل نقش را در چینش نیروهای جدید به‌خصوص از جانب شیعیان عربستانی داشته باشد. در این مسیر انگلیس و امریکا همسو هستند.

ب. امریکا و انگلیس به‌عنوان دو نیروی صاحب نفوذ و حمایتگر اپوزیسیون در دوران عدم توانایی دولت سعودی وارد شده و قدرت را به دولت سعودی برمی‌گردانند، اما در این حالت به‌جای دولت کنونی نوعی اصلاح در درون ساختار انجام می‌شود. این تفاوت نیز وجود دارد که ساختار سعودی به‌مانند پیش؛ تسلط کاملی بر اقلیت‌ها نخواهد داشت و سهم اقلیت‌ها در توزیع قدرت افزایش خواهد یافت.

ج. حالت سوم اینکه دولت سعودی تضعیف شده و اپوزیسیون نیز آماده جایگزینی است، اما بحران داخلی و منطقه‌ای فراگیری ایجاد می‌شود. ترکیه و ایران اهمیت بیشتری می‌یابند؛ چراکه می‌توانند بخش گسترده‌ای از ظرفیت نیروهای داخلی را به سمت همگرایی و یا واگرایی بکشانند. پیوند اخوان و شیعیان برای کسب حداقل سهم از قدرت در ساختار جدید به مهم‌ترین هدف تبدیل می‌شود. این شرایط امریکا را وادار به ثبات‌بخشی در درون عربستان می‌کند؛ در غیر این صورت، باید یکی از قطب‌های منطقه‌ای را انتخاب کند و یا از رژیم صهیونیستی به‌صورتی حمایت کند که خلأ عربستان در بازی‌های منطقه‌ای را پر کند. البته این سناریو در بدترین حالت ممکن قرار دارد که تا حدود زیادی آن را بعید و دور از ذهن ساخته است.

سناریوی سوم رقص شمشیر بن‌سلمان (حمایت خارجی نیست و ثبات و توان مدیریتی دولت سعودی بالاست): در این سناریو حمایت خارجی از اپوزیسیون وجود ندارد و دولت نیز توان کنترل آن را دارد. در این حالت اپوزیسیون در دسته چهارگانه به آغاز موج جدیدی از فعالیت اقدام می‌کند که می‌تواند در پی ناتوانی بن‌سلمان در پاسخگویی به نیازهای تعریف‌شده یا ناتوانی در اجرای برنامه‌های برنامه‌ریزی‌شده باشد و یا حتی می‌تواند در نتیجه افزایش فشار

اقتصادی و کاهش آزادی‌های ارائه شده باشد. متغیرهای منطقه‌ای نیز از جمله پشیران‌هایی هستند که می‌تواند اپوزیسیون را ترغیب به عمل کند؛ در این حالت:

الف. اینکه دولت ملک‌سلیمان که از دست برتر برخوردار است و حمایت خارجی را دارد؛ بیش‌ازاینکه به سمت اقناع حرکت کند، سرکوب را از موضع قدرت در دستور کار قرار می‌دهد و با دستگیری و اعدام رهبران اپوزیسیون، تحول‌خواهی اپوزیسیون به‌پایان می‌رسد. این وضعیت فرایند دموکراتیزه‌شدن عربستان را نیز به تأخیر می‌اندازد.

ب. دوم اینکه دولت سلمان اگرچه در موضع قدرت قرار دارد، اما نخستین گام محدود را در زمینه ارائه آزادی‌های سیاسی با کاهش فشار بر جریان‌های اپوزیسیون درون‌مرزی و برون‌مرزی برون‌حکومتی را در دستور کار قرار می‌دهد، اما همچنان حساسیت بر اپوزیسیون‌های درون و برون‌مرزی درون‌حکومتی بالاست.

سناریوی چهارم آشوب روی دور تند (فقدان حمایت خارجی و فقدان توان حاکمیتی): در این حالت حمایت خارجی وجود ندارد، اما حاکمیت نیز توان مناسبی برای مدیریت اپوزیسیون ندارد. اگرچه این سناریو کمی بعید به نظر می‌رسد؛ چراکه کنشگران قدرتمند خارجی اجازه آشوب مداوم در یک ژئوپلیتیک حساس را نخواهند داد، اما می‌توان گفت که در این سناریو نیز چند مسیر وجود دارد:

محتمل‌ترین مسیر را می‌توان آشوب دامنه‌دار داخلی دانست. آنچه دامنه این آشوب را گسترش می‌دهد، عدم اجماع و اتفاق نظر اپوزیسیون‌ها بر سر چارچوب سیاسی خاص است. در این حالت اگرچه در ابتدا کنشگران مهم، سیاست صبر و انتظار را پیشه کرده‌اند اما درنهایت ناچار به ورود می‌شوند، در این شرایط، قدرت بازیگری جمهوری اسلامی و ترکیه بیشتر می‌شود. باوجوداین؛ به سبب وجود جمعیت قابل توجهی از شیعیان در عربستان، ضریب نفوذ و اثرگذاری ایران بر تحولات عربستان به مراتب بیشتر می‌شود.

درنهایت باید گفت که فضای داخلی فضایی است که ثبات سیاسی نسبی وجود دارد و اپوزیسیون درون‌مرزی درون و برون‌حاکمیتی نیز در داخل در حالت فشار و حالت تضعیف قرار دارد. اپوزیسیون برون و درون‌حاکمیتی برون‌مرزی نیز از انسجام قابل توجهی برخوردار نیست که بتواند بدیل مناسبی برای حکومت سعودی ارائه دهد. ازسوی دیگر، عمده حمایت‌ها

و مخالفت‌های امریکا به‌عنوان مهم‌ترین نیروی حمایتگر دولت سعودی همچنان در چارچوب قواعد تعریف‌شده روابط رفتار می‌کند. در این میان، انگلیس و سیاست‌های این کشور در قبال اپوزیسیون به مراتب از نااطمینانی‌های بالاتری برخوردار است. جمهوری اسلامی ایران و ترکیه و قطر نیز در شرایط کنونی تمایلی به افزایش تنش ندارند؛ چراکه در حالت عادی تنش‌ها روند فزاینده‌ای دارد و نیاز به محرک‌های جدیدی احساس نمی‌شود.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

به‌وضوح می‌توان گفت که فضای فعالیت حزبی و اپوزیسیون‌های عربستانی تا حدود زیادی تحت تأثیر فشارها و محدودیت‌های سیاسی تاریخی قرار گرفته است که این زمینه را برای پویایی این گرایش‌ها از بین برده است. با وجود این، همواره میزان زیادی از نگرانی از سوی دولت سعودی مبنی بر احتمال افزایش فعالیت این گروه‌ها وجود دارد. بر این اساس، بخشی از این فعالیت‌ها به خارج از مرزهای سعودی کشیده شده است. باید گفت که یک وجه از افزایش یا کاهش قدرت اپوزیسیون‌های سعودی به فراسوی مرزها و میزان حمایت کنشگران قدرتمند از یک سو و کاهش منافع این کنشگران در ادامه راه با دولت سعودی یا حداقل محمدبن سلمان و دولت ملک‌سلمان وابسته است. از سوی دیگر همواره میزان ثبات سیاسی داخلی و انسجام نیروهای اپوزیسیون متغیر مهمی است.

دولت ملک سلمان نشان داده که به‌مانند پادشاهان پیشین ریاض اعتقاد به اعمال حداکثر فشار بر گروه‌های سیاسی دارد. اگرچه می‌توان گفت که ارائه آزادی‌های اجتماعی و طرح‌های بلندپروازانه بن سلمان چندان بدون حاشیه و قربانی نخواهد بود، اما تاکنون تلاش کرده تا از طریق قربانی کردن بزرگان حوزه اقتصاد و سیاست و همچنین رسانه تا حدود زیادی جو روانی را به سود خود تغییر دهد. از سوی دیگر، در حال حاضر، اپوزیسیون‌های سعودی به میزانی به سبب حمایت نسل جوان از محمدبن سلمان، توان ایجاد توازن در برابر وی را از دست داده‌اند. با توجه به این شرایط:

نخست در صورتی که محمدبن سلمان نتواند اهداف بلندپروازانه اقتصادی خود را محقق کند؛ چیزی که بیشترین میزان مشروعیت احتمالی خود را بر آن بنا کرده؛ تا حدود زیادی فضا را

برای فعالیت اپوزیسیون باز کرده است. در این شرایط، هم اپوزیسیون‌های درون‌مرزی درون‌حکومتی و هم اپوزیسیون برون‌مرزی برون‌حکومتی قدرت می‌یابند.

دوم اینکه اگر بن‌سلمان در زمان مرگ ملک‌سلیمان از سوی شاهزادگان قدرتمند به‌چالش کشیده شود و شرایط محیطی نیز - به‌مانند اقتصاد و جو عمومی به‌سبب عدم رعایت موضوعات حقوق بشری و یا بلندپروازی خارج از بازی قدرت منطقه‌ای - علیه وی باشند؛ آنگاه اپوزیسیون نیز فضا را برای بازیگری مناسب خواهند دید. در این هنگام، رویکرد کنشگران قدرتمندی مانند انگلیس و امریکا به‌شدت تأثیرگذار خواهد بود.

سوم اینکه، در حال حاضر، اجماع‌نظر قابل‌توجهی میان چهار دسته اپوزیسیون مطرح‌شده وجود ندارد. از سوی دیگر، شاهزادگان ناراضی خارج از عربستان نیز از جایگاه قابل‌قبولی برای ارائه نظام حکمرانی بدیلی برخوردار نیستند و عمدتاً در حوزه اقتصاد خارج از عربستان فعالیت دارند.

چهارم و در نهایت اینکه به‌نظر نمی‌رسد که عربستان فضای حزبی قدرتمندی را در آینده تجربه کند، حتی اگر این فضا به‌نوعی دستوری و از بالا باشد - که در بازه زمانی کوتاه بعید به‌نظر می‌رسد - بنابراین، اگر فعالیت‌هایی نیز در قالب اپوزیسیون صورت بگیرد، پراکنده و در قالب خشونت‌آمیز و خارج از چارچوب‌های سیاسی مرسوم باشد. ضمن اینکه همان‌گونه که عنوان شد نوع نگاه کنشگران خارجی بسیار اهمیت دارد.

فهرست منابع

منابع فارسی:

۱. پدرام، عبدالرحیم و احمدیان، مهدی (۱۳۹۴)، آموزه‌ها و آزموده‌های آینده‌پژوهی، مؤسسه افق آینده‌پژوهی راهبردی، چاپ نخست.
۲. بل، وندل (۱۳۹۶)، مبانی آینده‌پژوهی، ترجمه مصطفی تقوی و محسن محقق، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، چاپ سوم.

منابع انگلیسی:

1. Al-Rashid, Madawi(2018), Salman's Legacy: the dilemmas of a new era in Saudi Arabia,
2. Alshamsi, Mansoor Jassem(2011), Islam and Political Reform in Saudi Arabia, The quest for political change and reform, First published 2011by Routledge.
3. Bianco, Cinzia(2020), Home and away: Mohammad Bin Salman projects his power, European Council on Foreign Relations, Available at: https://www.ecfr.eu/article/commentary_saudi_arabia_reshuffles_palace_and_oil_markets.
4. Bilgin, Abdulrezak(2018), Relations Between Qatar and Saudi Arabia After the Arab Spring, Contemporary Arab Affairs (2018) 11 (3).
5. Bishop, Peter C (2017), Baseline Analysis: The Epistemology of Scenario Support, World Futures Review, Vol.9(2).
6. Conge, Patrick, Okruhlik, Gwenn(2009), "The Power of Narrative: Saudi Arabia, the United States and the Search for Security", British Journal of Middle Eastern Studies, 36(3).
7. Henderson, Simon(2020), Implications of the Saudi Corruption Arrests, Washington Institute, Available at: <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/implications-of-the-saudi-corruption-arrests>.
8. Lively, Genevieve(2017), Anticipation and Narratology, Handbook of Anticipation, Springer International Publishing.
9. Mabon, Simon(2018), It's a Family Affair: Religion, Geopolitics and the Rise of Mohammed bin Salman, Insight Turkey, HE GULF ON THE VERGE GLOBAL CHALLENGES AND REGIONAL DYNAMICS, Vol. 20, No. 2.
10. Matthiesen, Toby(2010), Hizbullah al-Hijaz: A History of The Most Radical Saudi Shi'a Opposition Group, Middle East Institute.Oxford university press.
11. Niblock, Tim, Malik, Monika(2007), The Political Economy of Saudi Arabia, First published 2007 by Routledge.
12. Norris, Pippa(2004), Building political parties: Reforming legal regulations and internal rules, Harvard University, Report commissioned by International IDEA.
13. Sardar, Ziauddin, Sweeney, John A (2016), The Three Tomorrows of Postnormal Times, Futures(75).
14. Schreer, Benjamin(2016), The 'Priceless' Alliance: Paul Dibb and ANZUS, Geography, Power, Strategy and Defense Policy, Published by: ANU Press.
15. Vassiliev, Alexie(2013), The History of Saudi Arabia, saqi books.
16. Wynbrandt, James(2010), A Brief History of Saudi Arabia, Facts On File An imprint of Infobase Publishing, Second Edition.
17. Zuhur, Sherifa(2011),Saudi Arabia, ABC-CLIO, Santa Barbara, California.

18. Ignatius, David(2020), The dazzling rise and tragic fall of Saudi Arabia's Mohammed bin Nayef, Available at: <https://www.washingtonpost.com/opinions/2020/07/05/dazzling-rise-tragic-fall-saudi-arabias-mohammed-bin-nayef/>.
19. Qandil, Mohamed Mokhtar(2018), The Muslim Brotherhood and Saudi Arabia: From Then to Now, Available at: <https://www.washingtoninstitute.org/fikraforum/view/the-muslim-brotherhood-and-saudi-arabia-from-then-to-now>
20. Saudi Arabia Population(2020), Available at: <https://www.worldometers.info/world-population/saudi-arabia-population/>
21. McKernan, Bethan(2017), CIA awards Saudi crown prince with medal for counter-terrorism work, Available at:<https://www.independent.co.uk/news/world/middle-east/cia-saudi-arabia-crown-prince-muhammed-bin-naye-medal-counter-terrorism-work-intelligence-a7577221.html>